

فلسفه حقوق محیط زیست و آثار آن

عزیزاله فهیمی^۱

چکیده

مقاله‌ای که در پیش رو است به بحث از فلسفه حقوق محیط زیست و آثار آن می‌پردازد. و مراد از فلسفه حقوق، نظریه کلی حاکم بر علم حقوق است که گاهی به آن کلیات حقوق هم گفته می‌شوند که موضوع آن بحث از رابطه منطقی بین قواعد موجود است، اما دو امر مهم در فلسفه حقوق دخیل است که یکی مبنای حقوق و دیگری هدف آن است. از نظر مبنای حقوق در این که آیا مبنای حقوق وحی یا عقل بشر یا تجربه و مشاهده یا لذت و غیره است، بین دانایان فن، اختلاف است و در این که آیا هدف حقوق که بیشتر جنبه سیاسی دارد آیا اصالت فرد است یا اجتماع و دولت یا تلفیقی از این دو، باز اختلاف است و این اختلاف در عمل، نتایج متفاوتی را به جا می‌گذارد. که یکی از آن موارد، بحث از فلسفه حقوق محیط زیست است و بسته به این که فلسفه حقوق محیط زیست، نگرش مادی یا الهی باشد، نتایج دوگانه‌ای را به دنبال دارد. بنابراین بحث از فلسفه حقوق محیط زیست، یک بحث مبنایی است که لازم است قبل از مباحث طولانی حقوق محیط زیست به آن پرداخته شود.

به طور خلاصه می‌توان گفت: فلسفه دفاع از حقوق محیط زیست، نزد الهیون، عمل به تکلیف در حفظ محیط اطراف است در حالی که این فلسفه نزد افراد مادی، سودجویی بیشتر است و اگر از حقوق محیط زیست نیز سخن می‌گویند به خاطر این است که در بلندمدت از سود فراوان‌تری برخوردار باشند و بدیهی است که اختلاف در نگرش فلسفی، آثار مختلفی نیز به دنبال خواهد داشت.

کلید واژه‌ها: فلسفه، حقوق، فلسفه محیط زیست، حقوق محیط زیست

مقدمه

گذشت زمان و فزونی جمعیت، انسان‌های روی کره خاکی را با مشکلات جدیدی مواجه می‌سازد. یکی از آنها رو به اتمام نهادن مواهب الهی نهفته در دامن طبیعت است که از یکصد و پنجاه سال قبل توجه مردم دوران‌دیش عالم را به خود معطوف داشته و نتیجه آن، تحرکات و اقداماتی است که در سالیان گذشته، صورت پذیرفته و اجمالی از آن به شرح زیر است:

در سال ۱۹۵۴ اولین کنوانسیون مربوط به محیط زیست با عنوان کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا به وسیله نفت در لندن شکل گرفت و در سال ۱۹۸۲ مهم‌ترین کنفرانس مربوط به محیط‌زیست و توسعه، توسط سازمان ملل متحد، با حضور سران ۱۸۱ کشور در ریودوژانیرو آرژانتین، برگزار گردید. اما با این که در سال ۱۹۹۸ مقررات دادگاه‌های بین‌المللی جنایی (ICC) در رم ایتالیا، امضاء گردید و رسیدگی به جنایات علیه نسل‌کشی و بشریت و جنایات جنگی را در صلاحیت رسیدگی خود قرارداد، به جرائمی که همه‌روزه علیه محیط زیست، اعمال می‌گردد، هیچ توجهی ننمود.

در ایران تصویب نخستین قانون مربوط به محیط زیست به سال ۱۳۳۵ برمی‌گردد که تحت عنوان قانون شکار درج گردیده است و پس از آن، قوانین متعددی در این زمینه، به تصویب رسیده که نشانگر اهمیت توجه به بحث محیط زیست است. به‌طوری که اصل ۵۰ قانون اساسی ایران به این مسئله مهم، اختصاص یافته و حفاظت از محیط زیست را وظیفه همگانی دانسته و هرگونه فعالیت اقتصادی و غیره را که زیان غیرقابل جبران به محیط زیست، وارد می‌نماید ممنوع اعلام نموده است. ولی این مقدار توجه، تهاجمات بی‌امان داخلی و بین‌المللی به مواهب طبیعی متعلق به تمامی عصرها و نسل‌های بشری را مهار نمی‌کند و نیازمند اقدامات جدی‌تر و شایسته‌تر است. اساسی‌ترین اقدام در این زمینه طرح و بررسی ریشه‌ای حقوق محیط زیست و توجه به سؤالات اصلی موجود در این زمینه و یافتن پاسخ‌های مناسب آن است که زمینه‌ساز تصمیمات مقتضی است.

سؤالات اصلی بحث

ما با سؤالات عدیده‌ای در این زمینه روبه‌رو هستیم، مهم‌ترین سؤال که بستر ساز سؤالات و پاسخ‌های بعدی آنهاست، سؤال در مورد فلسفه حقوق محیط زیست و علت لزوم حفاظت

از مواهب طبیعی است که به عنوان سؤال اول باید پرسید.

۱. چرا باید از حقوق محیط زیست دفاع کرد؟ آیا فلسفه دفاع از این حقوق، نزد مکاتب الهی و مادی یکسان است؟

و سؤالات مهم دیگری که مربوط به همین سؤال است و رنگ فلسفی ندارد ولی حدود موضوع را روشن می‌نماید، عبارتند از:

۲. در بحث از حقوق محیط زیست، آیا این حقوق، محدود به مرزهای جغرافیایی هر کشور است یا این حمایت، محدود به مرز جغرافیایی خاصی نیست؟

۳. آیا در این مقوله فقط باید از حقوق نسل‌های فعلی سخن گفت، یا باید با دیدگاه فراتر، حقوق نسل‌های آتی را هم مدنظر قرار داد؟

۴. آیا دعوت ادیان از پیروان خود برای عدم دلبستگی به دنیا، به معنی تشویق به ویرانگری مواهب طبیعی است یا واقعیت، برخلاف آن است؟

۵. وظیفه حکومت‌های داخلی و سازمان‌های بین‌المللی در حمایت از حقوق محیط زیست چیست؟ و حکومت دینی در این مورد، چه رسالتی بر دوش دارد، آیا تنویر افکار و زمینه‌سازی فرهنگی و بحث از فلسفه حقوق محیط زیست، از وظایف حکومت دینی نیست؟ و ده‌ها سؤال دیگر که هر اندیشمندی را در هنگام مواجهه با معضل محیط زیست، با آن روبه‌رو می‌سازد. بدیهی است که طی یک مقاله، نمی‌توان به همه آنها پاسخ داد، ما اکنون پس از طرح سؤالات و معرفی اجمالی چالش‌های مربوط به موضوع و لزوم پاسخ‌گویی به مقوله «فلسفه حقوق محیط زیست»، عمدتاً به پاسخ مختصر از سؤال نخست می‌پردازیم. یعنی طرح دو دیدگاه متعارض درخصوص چرایی حمایت از حقوق محیط زیست و آثار مترتب بر این دو دیدگاه. و در پایان به بحث از جایگاه حقوق محیط زیست از دیدگاه فلسفی اسلام، خواهیم پرداخت.

قسمت اول: توضیح مفاهیم

الف) فلسفه

فلسفه به معنی عشق به معرفت است، از اندیشیدن درباره امور مایه می‌گیرد و تلاشی است عقلی، برای رسیدن به حقیقت و پی بردن به مبانی رویدادها. (فرهنگ لاروس)

شبيه اين تعريف را خواجه نصيرالدين طوسي در تعريف حكمت گفته‌اند: «حكمت عبارت از دانش چيزها، چنان كه باشد و قيام نمودن به كارها چنان كه بايد به قدر استطاعت، تا نفس انساني به كمالي كه متوجه آن است برسد». (خواجه نصيرالدين طوسي، ۱۳۶۷)

از نظر ريشه تاريخي، فلسفه تمام دانش‌ها را دربر مي‌گيرد، ولي امروز كه علوم شاخه‌هاي گوناگون يافته و هر شاخه به استقلال، موضوع خاصي را در قلمرو خود آورده است، فلسفه، محدود به مسائلي شده است كه مطالعه درباره آنها در صلاحيت مستقيم هيچ‌يك از علوم نيست. با وجود اين، هنوز فلسفه، سايه خود را بر سر علوم دارد و نظريه‌هاي كلي را كه از خارج بر آنها حكومت مي‌كند، فراهم مي‌سازد. چنان كه فلسفه علوم، فلسفه تاريخ، فلسفه هنرها و فلسفه حقوق، نمونه‌اي از نظام فلسفي دانش‌هاي بشري است. (كاتوزيان، ۱۳۳۷، ۱۷)

آنچه در اين مقاله، در صدد بحث از آن هستيم، معني اخير فلسفه، يعني نظريه كلي حاكم بر چرایی حفاظت از محيط زيست است.

ب) حقوق

گرچه براي واژه حقوق، معاني متعددي برشمرده‌اند ولي منظور ما از حقوق در اين تحقيق «مجموعه پايدها و نبايدهايي است كه اعضاي يك جامعه، ملزم به رعايت آن هستند». (دانش‌پژوه، خسروشاهي، ۱۳۸۱، ۱۶)

بنابراين مراد از فلسفه حقوق، رشته‌اي از دانش حقوق است كه به سؤالاتي مثل متناسب بودن يك قانون، پاسخ مي‌دهد.

ج) محيط زيست

در متون قانوني ايران، تعريفی از محيط زيست ارائه نشده است، ولي از نظر لغوي، به معني محيط دور و بر است كه مترادف با واژه زندگي و حيات مي‌باشد، در زبان عرب براي آن واژه «البیئه» و در زبان انگليسي واژه (Environment) و در زبان فرانسه با اندكي تغيير واژه (Environnement) را براي آن به‌كار مي‌برند.

از نظر اصطلاحی نیز، شايد بهترين تعريفی كه از آن ارائه شده در تفسير ماده ۴۸ قانون حفاظت محيط زيست هندوستان باشد كه مي‌گويد: «محيط زيست شامل مجموعه‌اي است به هم پيوسته از عوامل بيروني كه رشد و حيات موجودات زنده انساني، جانوري و گياهي متأثر از آن است». (مجموعه قوانين حقوقی هند، ۲۰۰۱)

د) فلسفه حقوق محیط زیست

با توضیحاتی که در مفردات داده شد، تعریف فلسفه حقوق محیط زیست، عبارت خواهد بود از «نگاه کلی حاکم بر چرایی بایدها و نبایدهای متوجه اعضای حقیقی و حقوقی جامعه درخصوص رعایت مقررات مربوط به مجموعه به هم پیوسته از عوامل بیرونی که رشد و حیات موجودات زنده انسانی و جانوری و گیاهی متأثر از آن است».

حال که مفاهیم مورد نیاز درخصوص فلسفه حقوق محیط زیست را توضیح دادیم به گفتگو از دو دیدگاه کلی متفاوت در مورد فلسفه حقوق محیط زیست، خواهیم پرداخت.

قسمت دوم: دیدگاه‌های دوگانه در فلسفه حقوق محیط زیست

این دو دیدگاه که گاه با عنوان (مادی و معنوی) یا (مادی و الهی) یا «لایک و دینی» در مباحث حقوق محیط زیست از آنها تعبیر می‌شوند، هر یک به فراخور حال خود به بحث از فلسفه حقوق محیط زیست می‌پردازد.

الف) دیدگاه مادی (لایک)^۱

پس از قرون وسطی، دسترسی انسان خودخواه و خودپرست به بعضی ابزارهای علمی تجربی، او را به سرکشی از بندگی واداشته و خود را مالک مطلق عرصه گیتی از جمله کره خاکی می‌داند و از این رو خود را مجاز به هر نوع تصرف و تخریب طبیعت می‌داند و از این رو یکه‌تازی‌های مادی او را فرسنگ‌ها از معنویت و ارتباط خدا دور کرده است، علم‌پرستی و خودپرستی، همان اندازه قبیح است که بت‌پرستی. وقتی بشر امروز، دامنه طبیعت را موجودی بی‌جان و بی‌روح و ملک طلق خود بداند بدیهی است که خود را مجاز خواهد دانست که هر نوع تصرفی در آن بکند. غافل از این که محدود بودن منابع و مواهب طبیعی و تعلق آن به

۱. برای مطالعه بیشتر به سایت unesco.org می‌توان مراجعه کرد که تحت

واژه environmentphilosophie.org ۴۶ منبع در این مورد معرفی شده است و نیز به سایت unep.org در قسمت document موارد زیادی اختصاص به این بحث یافته است که عمدتاً بیانگر همین دیدگاه مادی در حفاظت محیط زیست است.

تمامی نسل‌های بشری، اعم از حال و آینده، چنین اجازه‌ای را به او نمی‌دهد. بر این اساس از مدت‌ها قبل، پیروان همین اندیشه‌های مادی به فکر افتاده‌اند که حد و مرزی برای استفاده از مواهب طبیعی ترسیم نمایند که این تلاش‌ها نیز همه، رنگ و لعاب مادی دارد و اگر گاهی گام‌هایی نیز در این مسیر برداشته می‌شوند نه به جهت توجه به دیدگاه الهی نسبت به محیط زیست است، بلکه انگیزه آن سودجویی بیشتر است که بتوانند در درازمدت به چپاول ثروت‌های خدادادی جهان ادامه دهند و چرخ‌های کارخانه‌های آنان از حرکت و شتاب، باز نایستند والا دل آنان برای نسل‌های آینده و سهم آنان از طبیعت، هرگز نسوخته است.

ب) دیدگاه الهی (دینی)

طبق این دیدگاه، انسان موحد، هستی را به عنوان یک دستگاه مادی و بی‌شعور و بی‌هدف و پوچ نمی‌بیند، بلکه آن را مجموعه‌ای زنده و خودآگاه و دارای اراده، می‌بیند و طبیعت را مجموعه هماهنگ می‌داند که با نظام دقیق علمی، تشکیل شده و متوجه هدفی عالی است و طبق این نگرش، موضوعاتی مثل کمال و میانه‌روی و خودداری از اسراف، قابل طرح خواهد بود. بنابراین نخستین گام در اصلاح وضع زیست‌محیطی، اصلاح فلسفه و مشرب نظری آن است.

هدف جامعه دینی، سعادت حقیقی انسان است یعنی آنچه که عقل سلیم آن را سعادت می‌داند و به عبارت دیگر هدفش این است که همه ابعاد انسان را تعدیل کند و عدالت را در تمامی زمینه‌ها، رعایت نماید یعنی هم به نیازهای مادی و هم معنوی او پاسخ دهد که یکی از آنها آرامش در سایه طبیعت است. ولی هدف جامعه غیردینی، سود و سرمایه و پیروی از تمایلات حیوانی است.

هدف از زندگی در دیدگاه دینی، حفظ رفاه بیشتر نیست، بلکه رسیدن به تعالی است که استفاده صحیح از دامنه طبیعت به عنوان وسیله‌ای در راه نیل به آن هدف، تلقی می‌شوند. درحالی که در زندگی مادی، هدف، استفاده بهتر از مواهب طبیعی است و بس. بر این اساس، تغییر رویکرد در نگرش به طبیعت از قدم‌های اولیه و ضروری است. ضرورت تغییر جهان‌بینی در نگرش به طبیعت در تحقیقات دانشمندان نیز، منعکس شده است، در سال ۱۹۹۸ میلادی، تحقیق بیش از هزار دانشمند از کشورهای مختلف جهان برای دانشگاه هاروارد امریکا، نشان

می‌دهد که رویکرد به تعالیم دینی تنها راهکار نهایی برای حفظ محیط زیست جهان است.
(سازمان محیط زیست ایران، ۱۳۷۸)

قسمت سوم: آثار ناشی از این دو نگرش فلسفی

الف) آثار ناشی از نگرش مادی^۱

طبق این نگرش، طبیعت بی‌جان، اسیر امیال و خواسته‌های انسان سودجو است و هر طور که بخواهد، با آن رفتار خواهد نمود، ما بعضی از این آثار را یادآوری می‌نماییم.
با شروع قرن ۲۱ میلادی، تکنولوژی به عنوان عامل یکه‌تاز در پیشرفت تمدن افسارگسیخته به پیش می‌رود و زباله‌های صنعتی، مرتب محیط زیست را آلوده می‌نمایند و جنگل‌ها، مدام از بین می‌روند و باران‌های اسیدی، آلودگی دریاها، سوراخ شدن لایه ازن، آب شدن یخ‌های قطبی، گازهای گلخانه‌ای، گرم شدن هوای زمین، استخراج بی‌رویه مواد معدنی، از همین دیدگاه خودخواهانه بشری سرچشمه می‌گیرد. دولت‌ها نیز در حلقه شرکت‌های تجاری و کارخانه‌های صنعتی، بیشتر به سود و مالیات می‌اندیشند ولی به این که همراه غذاهای کنسرو شده چه میزان مواد شیمیایی به خورد مصرف‌کنندگان داده می‌شوند، هرگز کاری ندارند.

۱. منابع غیرفارسی در باب محیط زیست بسیار غنی تر از منابع فارسی است اما این منابع نیز عمدتاً همین دیدگاه مادی را به فلسفه محیط زیست دارند، به بعضی از این منابع که هنگام طرح بحث، به فلسفه مادی حفاظت از حقوق محیط زیست، پرداخته‌اند اشاره می‌کنیم:

- دکتر مسامح الغرایبه و دکتر یحیی الفرحان، *المدخل الى العلوم البیئه*، عمان، دارالشرو، ۲۰۰۲ میلادی، ص ۲۸.

- الکساندر کیس و...، *حقوق محیط زیست*، ترجمه محمدحسن حبیبی، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۵.

- دکتر مجید مختوم، *شالوده آمایش زمین*، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، (چاپ دوم)، ص ۳.

- پروفیسور جی. تی. میلر، *زیستن در محیط زیست*، ترجمه مجید مختوم، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۴۹.

- جان وینسون، *اخلاق محیط زیست*، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، نشر جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۲، ص ۱۲.

همه ساله ۶ میلیون هکتار زمین قابل کشت، ضایع می شوند. مرداب‌ها خشکانده می شوند و مرجان‌ها تخریب می گردند. آب‌های زمینی و زیرزمینی در اقیانوس‌ها با مواد شیمیایی و اتمی آلوده می شوند که حاصل این دیدگاه سودجویانه است. این دیدگاه‌های سودطلبانه، سازمان ملل متحد را بر آن داشته که شورایی را به نام «شورای نسل آینده» پیشنهاد کند. (سازمان محیط زیست، ۱۳۷۸، ۲۶۵)

ذیلاً به برخی آمارهای تکان‌دهنده که از آثار این نگرش مادی است و عواقب وخیمی را برای بشریت به دنبال دارد اشاره می کنیم:

۱. ۹۸٪ گاز دی‌اکسید کربن و سایر گازهای مضر، مربوط به کشورهای صنعتی و ۲٪ آن مربوط به کشورهای جهان سوم است.
۲. بر اثر فعالیت‌های صنعتی، میزان دی‌اکسید کربن، ۲۵٪ در اتمسفر، بالا رفته است.
۳. کارخانجات صنعتی ۹۹٪ ضایعات رادیواکتیو جهان را تولید می کنند.
۴. سالانه ۱۷ میلیون هکتار جنگل در دنیا تخریب می شوند که دو برابر مساحت کشور اتریش است.

۵. تولید گازهای گلخانه‌ای توسط مردم فقیر جهان، سالانه ۱۱۰ تن، ولی توسط کشور آمریکا ۱۱ تن می باشد که وارد اتمسفر می شوند. (مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴)

ب) آثار ناشی از نگرش الهی

اگر گفته اند «انسان همان گونه زندگی می کند که می اندیشد» سخن خطایی نیست. اندیشه دینی پیروان خود را به برخورد مناسب و بهره‌جویی امانت‌دارانه از مواهب طبیعی، دعوت می کند و اصولی مثل اصول ذیل را پیش پای او می نهد:

۱. تعدیل خواسته‌های انسانی در استفاده از محیط زیست؛
 ۲. اعطای کمال اخلاقی؛
- از آنجا که دین بین زندگی مادی و معنوی پیوند تنگاتنگ ایجاد می کند و هدف آن رساندن انسان به کمال اخلاقی است، به انسان‌ها می آموزد که استفاده آنها از دامنه طبیعت، صرفاً وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف عالی، نه این که استفاده از طبیعت، هدف انسان باشد.
۳. تشکیل وجدان بیدار که تضمین اجرای احکام زیست‌محیطی است.

انسان مؤمن از واقعیت متقن جهان و نقش خود و رابطه انسان با جهان خلقت و حرکت

تکاملی آن آگاه است. به وظایف و رسالت‌هایی که از شناخت این رابطه نتیجه می‌شوند، ایمان دارد و عمل می‌کند. مؤمن به خدا، در برابر همه حقایق، تسلیم است و بر طریق آنها عمل می‌کند.

قسمت چهارم: جایگاه حقوق محیط زیست از دیدگاه فلسفی اسلام

الف) تأکید قرآن بر مطالعه و شناخت طبیعت

در آیات الهی، تأکیدات فراوانی در شناخت پدیده‌های طبیعی به چشم می‌خورد. مثلاً خداوند به بعضی مظاهر طبیعی سوگند خورده است مثل: «وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ». (تین، ۱) و قرآن دعوت به سیر در زمین و پندگیری از آفرینش نموده است. (عنکبوت، ۲۰)

ب) قرآن کریم طبیعت را از آیه‌های الهی برشمرده است

در این کتاب عظیم ۷۵۰ آیه در مورد خداشناسی از طریق طبیعت، ذکر شده است. به طور مثال می‌فرماید: «در خلقت شب و روز نشانه‌هایی است برای کسانی که می‌شنوند». (یونس، ۶۷)

امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «فکر کن که خداوند در هر برگ‌ی رشته‌هایی مانند رگ‌های بدن از هر طرف کشیده و فواید و مصالحی در آنها قرار داده است، اگر انسان بخواهد یکی از این برگ‌ها را بسازد در صورتی که وسایل و اسباب کار هم فراهم باشد با اعمال زحمت‌ها و صرف وقت زیاد از عهده ساختن یک برگ بر نمی‌آید». (مفضل بن عمر، ۱۳۷۹، ۱۴۴)

ج) به هم پیوستگی و هماهنگی نظام طبیعت

دنیای مخلوق، دنیای پیوستگی و هماهنگی است. به طور مثال قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند برای هر چیز مقدار و اندازه‌هایی قرار داده است». (طلاق، ۳)

یا در جای دیگر می‌فرماید: «ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم». (قمر، ۴۹)

د) تأثیرپذیری انسان از مظاهر طبیعی

طبیعت، آثار گوناگونی بر وضعیت جسمی، اخلاق و منش افراد دارد، البته نوع تأثیر در حدی نیست که از انسان سلب اختیار نماید. به طور مثال: قرآن کریم گیاهان را شادی‌آفرین و آنها را مایه سرور انسان‌ها می‌داند. (نمل، ۶۰)

امام کاظم (علیه السلام) در این باره می‌فرمایند: «نگاه به گیاهان خرم و سرسبز چشم را جلا می‌دهد و برروشنایی آن می‌افزاید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵)

امام رضا (علیه السلام) فرموده‌اند که: «بوی خوش، عسل، سوارکاری و نگاه به مناظر سرسبز باعث ازبین‌بردن برخی از بیماری‌های روانی و روحی می‌گردد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶)

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «نگاه به گل‌های رنگارنگ، شکوفه‌های زیبا و درختان سرسبز و خرم چنان لذتی به آدمی می‌بخشد که هیچ لذتی را با آن برابر نمی‌توان کرد. (بحار، ج ۳، ۱۴۰۳)

هـ) طبیعت در تسخیر انسان

خداوند همه‌چیز را در طبیعت برای انسان خلق کرده است و چنین اراده نموده که مواهب طبیعی در اختیار انسان باشد.

قرآن کریم در جایی می‌فرماید: خداوند خورشید و ماه را مسخر ساخت (ابراهیم، ۳۳) و در جای دیگر می‌گوید: «آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما کرد که در مسیر منافع و سود شما حرکت کنند». (لقمان، ۲)

قرآن کریم انسان را خلیفه و جانشین الهی معرفی می‌نماید، چرا که مالک روز جزا را، خداوند می‌داند. (مؤمن، ۱۶)

ولی سکونت انسان در زمین، موقت است و در این باره قرآن کریم می‌گوید: «شما تا روزگار مشخصی در زمین هستید و حق بهره‌برداری دارید». (بقره، ۳۶)

بر این اساس انسان مؤمن در استفاده از طبیعت باید سه برنامه مشخص را پیشینه خود سازد که عبارتند از: ورع در به‌دست آوردن، ادب در بکار بردن، هدف در مصرف نمودن.

نتیجه‌گیری

چگونگی نگرش به پدیده محیط زیست و حقوق آن، نوع عملکرد انسان‌ها را تعیین می‌کند. بر این اساس، اصلاح جهان‌بینی و اندیشه مقدم بر هر نوع اصلاح‌گری در کره خاکی محسوب می‌گردد. با نگاه حداکثری به دین، روحیه حق‌مدارانه در استفاده از محیط زیست، بدل به روحیه تکلیف‌مدارانه می‌گردد و استفاده از مظاهر طبیعی، دیگر برای ساکنین زمین هدف نخواهد بود بلکه وسیله‌ای خواهد شد برای نیل به کمال مطلوب. - مثل دیگر عرصه‌های

اجتماعی که آموزه‌های انسان‌مدارانه از تأمین سعادت مردم فرومانده‌اند، در عرصه حفاظت از حقوق محیط زیست نیز این آموزه‌های دینی است که توان مهار خیل شتابزده آدمیان را در قرون علم‌زدگی و مادی‌گرایی دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. جی.تی، میلر، زیستن در محیط زیست، ترجمه مجید مختوم، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۲. دانش‌پژوه، مصطفی و خسروشاهی، قدرت‌اله، فلسفه حقوق، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) قم، ۱۳۸۱.
۳. سازمان محیط زیست ایران، مجموعه مقالات حقوق محیط زیست، ۱۳۷۸.
۴. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، چاپ بمبئی، ۱۳۶۷.
۵. الغرابیه، مسامح و الفرحان، یحیی، المدخل الی العلوم البیئه، عمان، دارالشرو، ۲۰۰۲م.
۶. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
۷. کیس، الکساندر، حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۸. لاروس، فرهنگ فلسفی (انگلیسی)
۹. مجلسی محمدباقر، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۳، ۷۵ و ۷۶، ۱۴۰۳.
۱۰. مخدوم، مجید، شالوده آمایش زمین، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۱۱. مرکز جهانی علوم اسلامی، پیام همایش فقه و محیط زیست، قم، ۱۳۸۴.
۱۲. مفضل بن عمر، توحید مفضل، ترجمه نجفعلی میرزایی، نشر هجرت، چاپ هفتم، ۱۳۷۹.
۱۳. وینسون، جان، اخلاق محیط زیست، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، نشر جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۲.
۱۴. سایت : www.unep.org
۱۵. سایت : www.unesco.org